

## بررسی ترجمه قرآن

### از تفسیر روض الجنان و روح الجنان

حوری رضازاده سفیده\*

#### چکیده

ابوالفتوح رازی، مؤلف تفسیر «روض الجنان و روح الجنان» یکی از قدیمی‌ترین تفاسیر شیعی به زبان فارسی است. این اثر، تفسیری اجتهادی - نقلی از قرن ششم به شمار می‌آید که مؤلف با بیان اقوال معصومان<sup>۷</sup> و عالمان پیش از خود، تلاش دارد به ابعاد مختلف معنا و تفسیر آیات بپردازد. یکی از این موارد که وی گاهی به طور مستقل و زمانی در میان مباحث تفسیری مورد توجه و بحث قرار می‌دهد، قرائات معروف قرآن کریم است. این مقاله با مطالعه این تفسیر درصدد است گزارشی از موضوع قرائت در انتخاب نهایی مفسر در قالب ترجمه آیات را ارائه داده و در نهایت، گرایش مفسر در انتخاب یا ترجیح قرائت را نشان دهد. دستاورد مقاله بیانگر آن است که ابوالفتوح رازی در این ترجمه، یک قرائت، و به طور مشخص قرائت عاصم به روایت حفص را به شکل منحصر به فرد نپذیرفته است؛ بلکه در مواردی که قرائات گوناگون وجود دارد، قرائت ابوعمرو بصری و ابن کثیرمکی را ترجیح می‌دهد.

**کلید واژه‌ها:** ابوالفتوح رازی، روض الجنان، قرائات قرآن، قراء، قرائات

## مقدمه

یکی از دانشمندان پارسی‌زبانی که مذهب شیعه اثناعشری دارد، ابوالفتوح رازی است که در تمام آثارش، پرداختن به مکتب شیعه و پاسداری از حریم آن به چشم می‌خورد. یکی از آثار قرآنی وی که علاوه بر گستردگی، به خوبی نشانگر عمق تفکرش می‌باشد، تفسیر «روض الجنان و روح الجنان» است. این مقاله با هدف بررسی یکی از ابعاد کمتر مطالعه شده در آثار قرآنی عالمان شیعی قرون متقدم، به بررسی علم قرائت قرآن در این تفسیر می‌پردازد. در این تحقیق، ابتدا معرفی اجمالی از ابوالفتوح رازی صورت گرفته، سپس معرفی اجمالی تفسیر و منهج تفسیری وی انجام پذیرفته است و در ادامه ترجمه ارائه شده مفسر از آیات بررسی شده و موضوع قرائت در کل قرآن با استفاده از کتاب «التیسیر» عمرو بن دانی مطالعه شده و تمام مواردی که ترجمه مفسر مغایر با قرائت حفص بوده، توسط محقق احصا و در جدول ارائه شده است.

## نگاهی اجمالی به زندگی ابوالفتوح رازی

شیخ جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی رازی نیشابوری در نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری قمری می‌زیسته است. هر چند تاریخ دقیق ولادتش روشن نیست؛ ولی ظاهراً در سال ۴۸۰ قمری در قید حیات بوده است. اصالت او نیشابوری و جدش از نیشابور به ری نقل مکان کرده است. او از نسل نافع بن بدیل بن ورقاء خزاعی از صحابه رسول اکرم<sup>۶</sup> است. وی در ذیل تفسیر آیه (وَلَا تُحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) می‌گوید:

«و بعضی دیگر گفتند آیه در شهیدان چاه معونه آمد و قصه این آن بود که ابوبراء عامر بن مالک بن جعفر بن کلاب ملاعب الاسنه که سید بنی عامر بن صعصعه بود به نزدیک رسول آمد به مدینه رسول<sup>۹</sup>، اسلام بر او عرضه کرد او گفت: ای محمد! این دین که تو ما را با آن دعوت می‌کنی دینی نکوست اگر جماعتی صحابه را بفرستی با اهل نجد ایشان را دعوت کنند با این امید من چنان است که اجابت کنند... رسول<sup>۹</sup> مند بن عمرو و حرام بن ملحان و عروه بن اسماء و نافع بن بدیل ورقاء الخزاعی و این فرد از پدران ماست...» (رازی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۸۳)

ابوالفتوح در خاندانی متولد شد که دانشمندان متعددی پرورانده است و خانواده او از سرزمین حجاز به سرزمین فارس هجرت کردند؛ ولی روشن نیست که اجداد رازی چه زمانی به ایران آمدند اما احتمالاً می‌بایست این مهاجرت در سده‌های ۱ و ۲ قمری / ۷ و ۸ میلادی صورت گرفته باشد.

ایشان نخست در نیشابور مسکن گزیدند و جد دوم ابوالفتوح، ابوبکر احمد بن حسین بن احمد که به نیشابوری خزاعی خوانده می‌شد - شاگرد سید مرتضی و سید ابن زهره و شیخ ابی جعفر طوسی - و اقامت آنان در ری گویا در زمان همین ابوبکر احمد آغاز شد. (معرفت، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۹۰)

وی شاگرد بزرگانی همچون ابوالوفا عبدالجبار بن عبداللّه<sup>۱۰</sup> بن علی، شاگرد شیخ طوسی (زنده به سال ۵۰۳ ق)، ابوعلی حسن بن محمد، فرزند شیخ طوسی (م حدود ۵۰۰ ق) و عماد الدین حسن بن محمد استرآبادی، قاضی ری بوده است. یکی دیگر از مشایخ او، جاراللّه<sup>۱۱</sup> زمخشری است چنان که خود اشاره دارد، ولی مشخص نیست کجا و چه مدت این شاگردی برقرار شده است. (معرفت، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۸۶۳ - ۸۶۴؛ ابازی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۸۲۴ - ۸۲۵)

معروف‌ترین شاگردان شیخ ابوالفتوح رازی، عبارت‌اند از: ابن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸ ق) و ابوالحسن، منتجب الدین علی‌ابن بابویه، که هر دو از کتاب‌شناسان و فهرست‌نگاران شیعه بوده‌اند. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷، ص ۴۲۰)

تاریخ وفاتش نیز بسان تولدش به طور دقیق روشن نیست ولی از شواهد و قراین برمی‌آید حدود سال‌های ۵۵۰ تا

۵۶۰ قمری بوده است. (همان) وی در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری مدفون می‌باشد. (شهیدی صالحی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹)

### نگاهی به تفسیر روض الجنان و روح الجنان

یکی از مهم‌ترین آثار ابوالفتوح رازی تفسیر «روض الجنان و روح الجنان» می‌باشد که در بیست جلد به طبع درآمده است. ایشان در بیان انگیزه تألیف تفسیرش می‌گوید: «... پس چون جماعتی از دوستان و بزرگان از امثال و اهل علم و تدین اقتراح کردند که در این باب جمعی باید کردن چه اصحاب ما را تفسیری نیست مشتمل بر این انواع واجب دیدم اجابت کردن ایشان و وعده دادن به دو تفسیر یکی به پارسی و یکی به تازی جز که پارسی مقدم شد بر تازی برای آن که طالبان این بیشتر بودند و فایده هر کسی بدو عام‌تر بود و این کتاب ان شاء الله از میانه اطناب و اختصار بود اطنابی که ممل نباشد و اختصاری که ممل نباشد...» بنابراین، یکی از انگیزه‌های ایشان در نگارش تفسیر مذکور را می‌توان خدمت دینی به فارسی زبانان دانست.

تاریخ تألیف تفسیر روض الجنان ما بین سال‌های ۵۱۵ تا ۵۴۵ ق است. (علوی مهر، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱) درباره تفسیر وی باید گفت: بدون شک از قدیمی‌ترین تفاسیر فارسی شیعی است که پس از مجموعه‌ای از تفاسیر فارسی اهل سنت، همچون ترجمه منسوب به تفسیر طبری، تاج التراجم، تفسیر ابوبکر عتیق سورآبادی، تفسیر معروف به کمبریج و دیگر تفاسیر فارسی اهل سنت، مربوط به قرون پنجم و ششم نگاشته شده است. (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶)

از نکات شایان ذکر این تفسیر، جامعیت و توجه به ابعاد مختلف ادبی، تاریخی، کلامی، فقهی، روایی و اخلاقی است. بیان این نکته جالب است که این تفسیر، متنی استوار، قدیمی و ستوده از پارسی قرن ششم را نشان می‌دهد و بی تردید در میان آثار پرحجم و ممتاز ادب فارسی، به عنوان یکی از ارزنده‌ترین آن‌ها جای خاص خود را باز نموده است. (همان)

شیخ ابوالفتوح رازی در مقدمه تفسیرش به موضوعات مرتبط با تفسیر پرداخته است. مقدمه تفسیر وی شامل مباحث ذیل است: اقسام معانی، انواع آیه و اسماء آن، معنای سوره و آیه، ثواب تلاوت قرآن، ترغیب به شناخت غرایب قرآن و معنای تفسیر و تأویل.

### شیوه ترتیب مطالب تفسیر

۱. وی ابتدا تعدادی از آیات قرآن را همراه با ترجمه آن که در زیر آن نوشته شده است ذکر می‌کند.
۲. ابوالفتوح در باب شناخت سوره، ابتدا روایات مکی و مدنی سوره را ذکر کرده و سپس تعداد آیات آن سوره براساس مکتب کوفی، بصری، مدنی را نقل می‌کند و تعداد حروف آن سوره و روایاتی که در فضیلت سوره نقل شده را یادآوری می‌نماید.
۳. مفسر در جهت تفسیر آیات، قطعه‌ای از آیه را می‌نویسد، چنانچه آیه دارای سبب نزول باشد آن را همراه با سند و یا غیرسند نقل می‌کند و گاهی هم به نقد و تحلیل آن می‌پردازد.
۴. گاهی در بعضی کلمات آیات به تحلیل لغوی و نحوی آن پرداخته است و اختلافاتی که از لحاظ نحوی و اعرابی در این الفاظ بین نحویان وجود دارد را بیان می‌کند.
۵. وی در ادب و بیان و صرف و نحو و لغت و امثال آن نهایت کوشش را نموده و منتهای تحقیق را به عمل آورده است؛ به طوری که هیچ یک از تفاسیر مانند کشاف و تفسیر طبری به این اندازه از اشعار عرب و امثال برای بیان لغات و قواعد عرب، شاهد ارائه ننموده‌اند. (ر.ک: ابوالحسن شعرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴)
۶. اختلاف قرائت آیات یکی از دیگر مباحثی است که ابوالفتوح رازی در خلال تفسیر به آن می‌پردازد.
۷. توجه ابوالفتوح به مباحث فقهی و اختلاف مذاهب در مسئله فقهی بالاخص در ذیل آیات الاحکام و همچنین توجه به احادیث شریفه در شئون مختلف دین، نشان از احاطه وی به تاریخ و سیره کریمه و آل رسول اکرم<sup>۹</sup> است که تفسیر وی را از دیگر تفاسیر متمایز کرده است.

۸. پرداختن به موضوعات کلامی و اعتقادی همچون قضا و قدر، اختیار و شفاعت و غیره از دیگر موضوعات قابل ذکر در تفسیر وی می‌باشد. باید گفت مؤلف در علم کلام طریق توسط پیموده و روش قدما را برگزیده است. (ر.ک: محمودی پور، راسخون، ص ۱۱)

### تأثیر قرائات بر ترجمه قرآن

«قرائت» را می‌توان یکی از مهم‌ترین علوم قرآن دانست که تأثیری مستقیم بر ترجمه قرآن دارد. بررسی و ملاحظه ترجمه‌های قرآن در آیاتی که قرائات مختلف در کلمه یا کلماتی از آن‌ها وجود دارد که بر معنای آیات مؤثر است، نشانگر قرائت مورد پذیرش - یا حداقل مرجح - مترجم قرآن است. البته در ترجمه آیات از میان تمام کلمات دارای قرائات مختلف، تنها اثر معدود و محدودی از آن‌ها بر ترجمه قابل رصد است؛ زیرا برخی از موارد قرائات اساساً اثری بر ترجمه ندارند و برخی بر ترجمه اثر دارند ولی به خاطر زبان مقصد نمی‌توان اختلاف در قرائات را در ترجمه منعکس نمود. تنها بعضی از این موارد اثر روشنی بر ترجمه می‌گذارند. نمونه‌هایی از این انواع، در ادامه بحث و خلال بررسی ترجمه ابوالفتوح رازی در تفسیر روح‌الجنان منعکس شده است.

### بررسی موضوع قرائات در ترجمه ابوالفتوح رازی

قبل از بررسی قرائات مختلف در تفسیر روح‌الجنان و روح‌الجنان با هدف استقراء کامل، مواردی که با قرائت حفص قطعاً تفاوت دارد بیان چند نکته ضروری است:

۱. در بسیاری از مواضع، قرائت مورد نظر رازی در ترجمه روشن نیست؛ نظیر: (سَادَتْنَا) یا (سَادَاتِنَا) (احزاب، ۶۷)، (مَسْكِنِهِمْ) یا (مَسَاكِنِهِمْ) (سبأ، ۱۵)، (ذُرِّيَّتَهُمْ) یا (ذُرِّيَّاتِهِمْ) (یس، ۴۱).  
۲. در موارد زیادی، انعکاس دقیق قرائت در ترجمه ممکن نبوده است و نمی‌توان قرائت مرجح در نظر وی را درک کرد؛ مانند: (لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْرِ أَلِيمٍ) یا «الیم» (سبأ، ۵؛ جائیه، ۱۱)، (اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبِّي) یا (اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبِّي) (صافات، ۱۲۶).
۳. با توجه به قرائات، مواردی در ترجمه ملاحظه شد که اشکال دارد؛ مانند: (لِيُنذِرَ) (یس، ۷۰) که به صورت «تا بترسانند» ترجمه شده است، در حالی که قرائت جمع در آن وجود ندارد و دو قرائت منقول، «لِيُنذِرَ» و «لِيُنذِرَ» است. نمونه‌ی دیگر (لَا يُخْرِجُونَ) (جائیه، ۳۵) است که به صورت «بیرون نیارندتان» ترجمه شده است، در حالی که قرائات در آن «لَا يُخْرِجُونَ» و «لَا يُخْرِجُونَ» است. مورد دیگر (وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا) (فرقان، ۲۵) می‌باشد که به صورت «و بفرستند فریشتگان را» ترجمه شده است، در صورتی که قرائات در آن «و نُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ» و «و نُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ» است.

۴. عدم تطابق از موارد مشابه از نظر قرائت، در ترجمه‌ی ابوالفتوح رازی ملاحظه می‌شود. به عنوان نمونه، در سوره‌های اعراف آیه ۵۷ و فرقان آیه ۴۸، آیه با قرائت «نشرأ» ترجمه شده است ولی در سوره نمل آیه ۶۳، با قرائت «بُشراً» معنا شده است.

۵. عدم هماهنگی قرائت در یک آیه نیز وجود دارد. نمونه‌ی آن «و یوم یحشرهم جمیعاً ثم یقول» (سبأ، ۴۰) است که با تلفیقی از دو قرائت به صورت «و یوم یحشرهم ثم نقول» ترجمه شده است.

در جدول زیر، مواردی که قرائت مورد نظر ابوالفتوح رازی با روایت حفص قطعاً تفاوت دارد، ارائه شده است:

ردیف	سوره	آیه	روایت حفص	قرائت براساس نظر ترجمه	قرائات مورد پذیرش ترجمه
۱	حمد	۴	مالک	مَلِك: پادشاه	حمزه، ابوعمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن‌عامر
۲	بقره	۸۳	لاتعبدون	لا یعبدون: نپرستند	حمزه، کسائی، ابن کثیر
۳	بقره	۸۵	تعملون	یعملون: ایشان می‌کنند	خلف، شعبه، یعقوب، ابن کثیر، نافع
۴	بقره	۱۲۵	و اتخذوا	و اتَّخَذُوا: و گرفتند	نافع، ابن‌عامر

ردیف	سوره	آیه	روایت حفص	قرائت براساس نظر ترجمه	قرائات مورد پذیرش ترجمه
۵	بقره	۱۷۷	البرَّ	البرُّ: ابتدایی معنا کرده است.	کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۶	بقره	۲۱۰	و الملائکه	و الملائکه: عطف بر الغمام و مجرور معنا کرده است.	ابوجعفر
۷	بقره	۲۴۰	وصیه	وصیه: خبری معنا کرده است.	کسائی، خلف، شعبه، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۸	بقره	۲۶۹	يُؤْتِ	يُؤْتِ: بدهد	یعقوب
۹	بقره	۲۷۱	و يكفُرُ	و نکفرُ: و بپوشانیم	حمزه، کسائی، خلف، نافع، ابوجعفر
۱۰	بقره	۲۸۲	ان تكون تجاره حاضره	ان تكون تجاره حاضره: که باشد بازرگانی حالی	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۱	آل عمران	۲۱	و يقتلون	و يُقاتلون: و کارزار کنند	حمزه
۱۲	آل عمران	۳۷	و كَفَلَهَا زكريا	و كفلها زكرياء: و بازگذاشت او را زکریا	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۳	آل عمران	۴۸	و يُعَلِّمُه	و نُعَلِّمُه: و بیاموزیم او را	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، ابن کثیر، ابن عامر
۱۴	آل عمران	۸۳	يبغون	تبغون: طلب می کنید	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۵	آل عمران	۸۳	يرجعون	تُرَجَعون: برنند شما را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۶	آل عمران	۱۱۵	يفعلوا	تفعلوا: شما کنید	شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۷	آل عمران	۱۲۵	مسومين	مسومين: با علامت	حمزه، کسائی، خلف، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۸	آل عمران	۱۵۷	يجمعون	تجمعون: شما گرد می کند	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۹	آل عمران	۱۷۸	ولا يحسبن	و لاتحسبن: و مپندار	حمزه
۲۰	آل عمران	۱۸۰	ولا يحسبن	و لاتحسبن: و مپندار	حمزه
۲۱	نساء	۱۲	يوصى	يوصى: اندرز کنند	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، نافع، ابوجعفر
۲۲	نساء	۲۴	و اَحِلَّ	و اَحِلَّ: و حلال بگرد	شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابن عامر
۲۳	نساء	۲۹	ان تكون تجاره	ان تكون تجاره: که باشد بازرگانی	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۲۴	نساء	۴۰	وان تک حسنه	وان تک حسنه: و اگر باشد نیکویی	یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۲۵	نساء	۷۷	ولا تظلمون	ولا يُظلمون: و بیداد نکنند برایشان	حمزه، کسائی، خلف، روح، ابن کثیر، ابوجعفر
۲۶	نساء	۱۵۲	سوف يؤتيمهم	سوف نُؤْتيمهم: ایشان را بدهیم	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۲۷	مائده	۶	وارجلکم	وارجلکم: عطف بر رؤوس و مجرور معنا کرده است.	حمزه، خلف، شعبه، ابوعمر، ابن کثیر، ابوجعفر
۲۸	مائده	۹۵	كفارہ طعام	كفارہ طعام: کفارہ طعام	نافع، ابوجعفر، ابن عامر

ردیف	سوره	آیه	روایت حفص	قرائت براساس نظر ترجمه	قرائات مورد پذیرش ترجمه
۲۹	انعام	۵۷	يَقْصُ	يَقْصِي: حکم کند	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، ابن عامر
۳۰	انعام	۸۳	درجاتٍ من نشاء	درجات من نشاء: پایگاه‌های آن کس را که خواهیم	ابوعمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۳۱	انعام	۹۶	وَجَعَلَ اللَّيْلَ	و جاعِلُ اللَّيْلِ: و کننده شب است	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۳۲	انعام	۱۱۹	و قَصِدَ فَصَلَّ	و قد قُصِلَ: و بدرستی که پیدا کرده شد	ابوعمرو، ابن کثیر، ابن عامر
۳۳	انعام	۱۱۹	حَرَمَ	حَرَمَ: حرام است	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، ابن کثیر، ابن عامر
۳۴	انعام	۱۲۴	رَسَالَتَهُ	رسالاته: پیغام‌های خودش را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۳۵	اعراف	۵۷	بُشْرًا	نشرًا: پراکنده	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۳۶	اعراف	۹۸	أَوْ أَمَنَ	أَوْ أَمَنَ: یا ایمن شدند	ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۳۷	انفال	۱۹	وَأَنَّ اللَّيْلَ	و إِنَّ اللَّيْلَ: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر
۳۸	انفال	۵۹	أَنَّهُمْ	أَنَّهُمْ: که ایشان	ابن عامر
۳۹	توبه	۱۲۶	أَوْ لَا يَرُونَ	او لاترون: نبینی	حمزه، یعقوب
۴۰	یونس	۴	أَنَّهُ	أنه: که او	ابوجعفر
۴۱	یونس	۲۳	مَتَاعَ	متاع: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۴۲	هود	۲۵	إِنِّي	آئی: که من	کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابوجعفر
۴۳	هود	۴۰	كُلِّ زَوْجَيْنِ	کَلِّ زَوْجَيْنِ: از هر دو جفت	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۴۴	هود	۱۱۱	لَمَّا	لَمَّا	کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع
۴۵	هود	۱۲۳	تَعْمَلُونَ	یعملون: ایشان می‌کنند	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، ابن کثیر
۴۶	یوسف	۷۶	دَرَجَاتٍ مِّنْ	درجات من: پایه‌های آنکس	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۴۷	یوسف	۱۰۹	نُوحِي	یوحی: وحی کردند	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۴۸	یوسف	۱۰۹	قَدْ كَذَّبُوا	قد کذبوا: دروغ خواهند داشتن	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابن عامر
۴۹	یوسف	۱۰۹	فَنُنَجِّي	فَنُنَجِّي: برهانیم	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۵۰	رعد	۱۷	يُوقِدُونَ	توقدون: می‌برافروزید	شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۵۱	ابراهیم	۲	اللَّهُ	اللَّهُ: خدای است	نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۵۲	ابراهیم	۴۶	وَأَن كَانَ مَكْرَهًا لِّتَزُولَ	و ان كان مكرهًا لتزول: و نه مکر ایشان زایل شود	کسائی

ردیف	سوره	آیه	روایت حفص	قرائت براساس نظر ترجمه	قرائات مورد پذیرش ترجمه
۵۳	حجر	۵۴	تبشرون	تبشرون: بشارت می‌دهید مرا	نافع
۵۴	نحل	۱۲	و النجوم و مسخرات	و النجوم مسخرات: عطف بر القمر و منصوب معنأ کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۵۵	نحل	۴۳	نوحی	یوحی: وحی کردند	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۵۶	نحل	۹۶	و لنجزین	و لیجزین: و پاداشت دهند	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، نافع، هشام، ابن ذکوان (خلف)
۵۷	اسراء	۷	لیسوؤوا	لیسوؤا: تا دژم کند	حمزه، خلف، شعبه، ابن عامر
۵۸	اسراء	۴۲	یقولون	تقولون: شما می‌گویید	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۵۹	کهف	۵۲	یقول	نقول: گوییم	حمزه
۶۰	کهف	۷۱	لتغرق اهلها	لیغرق اهلها: تا غرق شود اهلیش	حمزه، کسائی، خلف
۶۱	کهف	۸۸	جزاء الحسنی	جزاء الحسنی: جزای نیکوتر	شعبه، ابوعمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۶۲	مریم	۶	یرثنی	یرثنی: که میراث من گیرد	کسائی، ابوعمرو
۶۳	مریم	۶	و یرث	و یرث: و میراث گیرد	کسائی، ابوعمرو
۶۴	مریم	۲۴	من تحتها	من تحتها: آن که در زیر او بود	شعبه، ابوعمرو، رويس، ابن کثیر، ابن عامر
۶۵	مریم	۵۱	مخلصاً	مخلصاً: باخلاص	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۶۶	مریم	۶۰	یدخلون	یدخلون: درآرند ایشان را	شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابوجعفر
۶۷	مریم	۷۷	و ولدأ	و ولدأ: و فرزندان	حمزه، کسائی
۶۸	طه	۸۷	حملنا	حملنا: ما برگرفتیم	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، روح
۶۹	انبیاء	۷	نوحی	یوحی: وحی گردید	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۷۰	انبیاء	۱۰۴	للکتاب	للکتاب: برای نوشتن	شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۷۱	حج	۲۳	و لؤلؤاً	و لؤلؤ: عطف بر ذهب و مجرور معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، ابن کثیر، ابن عامر
۷۲	حج	۲۵	سواء	سواء: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۷۳	حج	۳۹	یقاتلون	یقاتلون: کارزار کنند	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر
۷۴	مؤمنون	۹	صلواتهم	صلواتهم: نمازشان	حمزه، کسائی، خلف
۷۵	مؤمنون	۲۷	کل زوجین	کل زوجین: هر جنسی	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۷۶	مؤمنون	۹۲	عالم	عالم: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، نافع، ابوجعفر

ردیف	سوره	آیه	روایت حفص	قرائت براساس نظر ترجمه	قرائات مورد پذیرش ترجمه
۷۷	نور	۹	و الخامسه	و الخامسه: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۷۸	نور	۳۴	آیات مبینات	آیات مبینات: آیاتی روشن	شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۷۹	نور	۴۶	آیات مبینات	آیات مبینات: آیاتی روشن	شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۸۰	فرقان	۱۷	یحشرهم	نحشرهم: جمع کنیم ایشان را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، نافع، ابن عامر
۸۱	فرقان	۱۹	فما تستطیعون	فما یستطیعون: نتوانند	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۲	فرقان	۴۸	بشراً	نشراً: پراکنده	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۳	نمل	۴۹	لنبیئتنه	لنبیئتنه: شبیخون آرید او را	حمزه، کسائی، خلف
۸۴	نمل	۵۱	آنا	آنا: ابتدایی معنا کرده است.	ابوعمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۵	نمل	۵۹	یشرکون	تشرکون: شما انباز می‌گیرید	حمزه، کسائی، خلف، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۶	نمل	۶۳	بشراً	نشراً	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۷	نمل	۸۷	آتوه	آتوه: آیندگان باشد به او	کسائی، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۸	نمل	۸۹	فزع یومئذ	فزع یومئذ: ترس آن روز	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۹	قصص	۸۲	لخسف بنا	لخسف بنا: به زمین فرو بردندی ما را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۹۰	عنکبوت	۱۹	او لم یروا	او لم تروا: نمی‌بینید؟	حمزه، کسائی، خلف، شعبه
۹۱	عنکبوت	۵۰	آیات	آیت: نشانی	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابن کثیر
۹۲	عنکبوت	۵۵	و یقول	و نقول: و گوئیم ما	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابوجعفر، ابن عامر
۹۳	روم	۱۰	عاقبه	عاقبه: ابتدایی معنا کرده است.	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۹۴	روم	۲۲	للعالمین	للعالمین: جهانیان را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، یعقوب، نافع، ابوعمرو، ابن کثیر، ابن عامر
۹۵	روم	۴۱	لیذیقهم	لنذیقهم: تا بچشانیم ایشان را	روح، قبل
۹۶	لقمان	۳	و رحمه	و رحمه: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه
۹۷	لقمان	۲۰	نعمه	نعمه: نعمت	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۹۸	سجده	۷	خلقه	خلقه: آفرینش او	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابوجعفر، ابن عامر
۹۹	احزاب	۶۸	کبیراً	کثیراً: بسیار	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر



ردیف	سوره	آیه	روایت حفص	قرائت براساس نظر ترجمه	قرائات مورد پذیرش ترجمه
۱۰۰	سبأ	۱۷	و هل نُجَازِي الا الكفور	و هل يُجَازِي الا الكفور: و پاداشت دهند الا کفران بکردگان را؟	شعبه، ابوعمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۰۱	سبأ	۲۳	أَذْنُ لَهُ	أَذْنُ لَهُ: دستوری دهند او را	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو
۱۰۲	سبأ	۴۰	ثم يقول	ثم نقول: پس گوئیم	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۰۳	فاطر	۳۳	و لَوْلُوْا	و لَوْلُوْا: عطف بر ذهب و مجرور معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۱۰۴	فاطر	۴۰	بَيِّنَاتٍ	بَيِّنَاتٍ: حجت‌ها	کسائی، شعبه، یعقوب، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۰۵	صافات	۶	بزينه الكواكب	بزينه الكواكب: به زینت ستارگان	کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۰۶	صافات	۱۷	أَوْ أَبَاؤُنَا	أَوْ أَبَاؤُنَا: یا پدران ما	قالون، ابوجعفر، ابن عامر
۱۰۷	صافات	۴۰	المُخْلِصِينَ	المُخْلِصِينَ: با اخلاص	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۱۰۸	صافات	۷۴	المُخْلِصِينَ	المُخْلِصِينَ: با اخلاص	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۱۰۹	صافات	۱۲۸	المُخْلِصِينَ	المُخْلِصِينَ: با اخلاص	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۱۱۰	صافات	۱۳۰	أَلْ يَاسِينَ	أَلْ يَاسِينَ	یعقوب، نافع، ابن عامر
۱۱۱	صافات	۱۶۰	المُخْلِصِينَ	المُخْلِصِينَ: با اخلاص	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۱۱۲	صافات	۱۶۹	المُخْلِصِينَ	المُخْلِصِينَ: با اخلاص	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۱۱۳	ص	۴۶	بخالصة ذكري الدار	بخالصة ذكري الدار: به خالص بکردن یادکرد سرای	نافع، ابوجعفر، هشام
۱۱۴	ص	۶۳	أَتَّخَذْنَا هُمْ	أَتَّخَذْنَا هُمْ: گرفتیم ایشان را	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب
۱۱۵	زمر	۶۱	بمفازتهم	بمفازاتهم: به ظفرهای ایشان	حمزه، کسائی، خلف، شعبه
۱۱۶	غافر	۳۵	قلب	قلب: دلی	ابوعمرو، ابن ذکوان
۱۱۷	غافر	۵۸	تتذكرون	یتذکرون: اندیشه می کنند	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۱۸	فصلت	۴۷	ثمراتٍ	ثمرت: میوه	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر
۱۱۹	شوری	۲۵	تفعلون	يفعلون: کنند ایشان	شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۲۰	زخرف	۲۴	قال	قُل: بگو	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۱۲۱	زخرف	۸۹	فسوف يعلمون	فسوف تعلمون: بدانید پس از این	نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۲۲	دخان	۷	ربِّ	ربُّ: ابتدایی معنا کرده است.	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۲۳	احقاف	۱۲	لينذر	لتنذر: تا بترسانی	یعقوب، بز، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۲۴	محمد	۴	فَقْتُلُوا	فَاتْلُوا: کارزار کنند	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۲۵	محمد	۲۶	إِسْرَاهِمَ	إِسْرَاهِمَ: سرهای ایشان	شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر

ردیف	سوره	آیه	روایت حفص	قرائت براساس نظر ترجمه	قرائات مورد پذیرش ترجمه
۱۲۶	فتح	۱۰	فسیؤتیه	فسنؤتیه: بدهیم او را	روح، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۲۷	طور	۲۸	آنه	آنه: که او	کسائی، نافع، ابوجعفر
۱۲۸	رحمن	۱۲	و الريحانُ	و الريحان: عطف به العصف و مجرور معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف
۱۲۹	رحمن	۳۵	و نحاسٌ	و نحاس: عطف به نار و مجرور معنا کرده است.	ابوعمر، روح، ابن کثیر
۱۳۰	نبأ	۳۷	ربّ	ربّ: ابتدایی معنا کرده است.	ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۱۳۱	نبأ	۳۷	الرحمن	الرحمن: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۱۳۲	تکویر	۲۴	بضنین	بضنین: متهم	کسائی، ابوعمر، رویس، ابن کثیر
۱۳۳	بروج	۱۵	المجیدُ	المجید: وصف العرش و مجرور معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف
۱۳۴	مسد	۴	حماله	حماله: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر

نگارنده تمام موارد ترجیح سایر قرائات مغایر با حفص را شمارش نموده و نتیجه را به ترتیب کثرت تغایر از راست به چپ در جدول زیر دسته بندی کرده است.

شمارش موارد ترجیح هر یک از قاریان مغایر با حفص در ۱۳۴ مورد ذکر شده است:

قاری	ابن کثیر	ابوعمر	یعقوب	نافع	ابوجعفر	ابن عامر	کسائی	حمزه	خلف	شعبه
تعداد	۸۹	۸۸	۷۹	۷۹	۷۸	۷۸	۷۲	۶۹	۶۶	۵۲

آمار موارد انفراد قرائت در کل ترجمه:

قاری	حمزه	ابوجعفر	یعقوب	نافع	ابن عامر	کسائی
تعداد	۵	۲	۱	۱	۱	۱

برای توضیح بیشتر، مناسب است به اختصار اشاره‌ای به ویژگی‌های قاریان معروف صورت گیرد.

#### ۱. ابن عامر دمشقی

عبدالله بن عامر بن یزید بن تمیم الیحصبی (۱) الدمشقی (۲۱ - ۱۱۲ یا ۱۱۸ ق) نخستین قاری از میان قراء سبعة و متعلق به طبقه سوم قراء می‌باشد، هر چند ابن ندیم وی را در طبقه نخست تابعان دانسته است. (ابن الندیم، ۱۴۱۵، ص ۴۷-۴۸) ابن الجزری، اهل شام و جزیره (۲) را تا حدود سال ۵۰۰ قمری بر قرائت او دانسته است. راویان او هشام بن عمار و عبدالله بن ذکوان هستند. (ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۴۶-۴۹؛ ابن الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۶۳۰-۶۳۳). بیشترین طعن‌ها در بین قرائات مشهور بر قرائت ابن عامر وارد شده است؛ از جمله: ابن مجاهد (ابن مجاهد، ص ۱۶۹) و زمخشری. (زمخشری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۴۱-۴۲).

#### ۲. ابن کثیر مکی

ابومعبد عبدالله بن کثیر بن المطلب (۴۵ یا ۴۸ - ۱۲۰ یا ۱۲۲ ق) جزء قاریان سبعة، از طبقه سوم قراء و تابعان است. البته ابن ندیم وی را در طبقه دوم تابعان قرار داده است. (ابن الندیم، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۶-۴۷) دو راوی مشهورش احمد بن ابی بزه مشهور به بزّی و محمد بن عبدالرحمن معروف به قنبل هستند. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵، ص ۳۲۰-۳۲۲؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق،

ص ۴۹-۵۰؛ ابن خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۴۱-۴۲؛ ابن الجزری، ۱۴۲ ق، ج ۲، ص ۶۵۸).

### ۳. عاصم کوفی

ابوبکر عاصم بن ابی‌النجود کوفی (۱۲۷ یا ۱۲۸ ق) یکی از قاریان سبعة و در طبقه سوم قراء و از تابعان است. مشهور است قرآن را بر دو نفر قرائت کرد؛ نخست ابوعبدالرحمن سلمی که به طور عمده از امیرالمؤمنین حضرت علی (نقل قرائت می‌کرد و دیگری، زر بن حبیش اسدی که قرائت را از عبداللّه بن مسعود روایت می‌کرد. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵، ص ۲۵۸-۲۵۶). دو راوی عاصم، حفص بن سلیمان اسدی و ابوبکر شعبه بن عیاش هستند. (همان، ج ۵، ص ۲۶۰-۲۶۱؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۵۲-۵۴؛ ابن‌الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۵۲۸-۵۲۹)

### ۴. ابوجعفر مدنی

ابوجعفر یزید بن قعقاع مدنی (۱۲۷ تا ۱۳۳ ق) از جمله قاریان عشره، از طبقه سوم قراء و از جمله تابعان بود. (ابن‌خلکان، ۱۴۲۹ ق، ج ۶، ص ۲۷۵) دو راوی مشهور ابوجعفر، عیسی بن وردان و سلیمان بن مسلم بن جمّاز هستند که شاگرد مستقیم او محسوب می‌شوند. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵، ص ۲۸۷-۲۸۸؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۴۰-۴۲؛ ابن‌خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۶، ص ۲۷۴ - ۲۷۶؛ ابن‌الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۳۸۶-۳۸۹)

### ۵. ابوعمر و بصری

ابوعمر و زبّان بن العلاء المازنی البصری (۶۸ - ۱۵۴ ق) از قاریان سبعة و جزء طبقه چهارم قراء بود. اصلش از منطقه کازرون در فارس بود. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۶، ص ۴۰۷-۴۰۸) در تعداد شیوخ نقل، هیچ یک از قراء سبعة به او نمی‌رسند. ابن‌الجزری قرائت مناطق مختلف حجاز، عراق، مصر و شام - غیر از دمشق - را در زمان خود، یعنی اواخر قرن هشتم یا اوایل قرن نهم هجری قمری، مطابق قرائت ابوعمر و بصری ذکر می‌کند که در واقع، بخش عمده‌ای از سرزمین‌های اسلامی را دربر می‌گیرد. دو راوی مشهورش حفص بن عمرو الدوری و ابوشعیب صالح بن زیاد معروف به سوسی هستند. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۶، ص ۴۰۹ - ۴۱۰؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۶۰-۶۲؛ ابن‌خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۴۶۸-۴۶۹؛ ابن‌الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۴۴۴-۴۴۶).

### ۶. حمزه کوفی

ابوعماره حمزه بن حبیب زیّات کوفی (۸۰ - ۱۵۶ ق) یکی از قاریان سبعة و از طبقه چهارم قراء محسوب می‌شود. پیشوایی قرائت قرآن در کوفه را پس از عاصم و اعمش بر عهده داشت و مصدر تعلیم قرائت محسوب می‌شد. دو راوی مشهور حمزه، ابومحمد خلف بن هشام و ابوعیسی خلّاد بن خالد هستند. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۹۱-۹۲؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۶۶-۷۱؛ ابن‌خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۲۱۶؛ ابن‌الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۷) بر قرائت حمزه خرده‌هایی گرفته‌اند؛ از جمله ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۹۱) و شعبه بن عیاش (خویی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۷) با این حال، ذهبی قرائت وی را در قرن هشتم، قرائتی مقبول و مورد توجه دانسته است. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۹۱)

### ۷. نافع مدنی

نافع بن عبدالرحمن المدنی (بعد از ۷۰ - ۱۶۹ ق) دارای اصالتی اصفهانی بود. (ابن‌خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۳۶۸) نافع از جمله قراء سبعة و در طبقه چهارم قاریان قرار داشت. (ابن‌الندیم، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۶) بر هفتاد نفر از تابعان - از اهل مدینه و غیر ایشان - قرائت کرد. (۳) راویان اصلی نافع دو تن هستند: عیسی بن مینا معروف به قالون و عثمان بن سعید مصری ملقب به ورش. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۳۳۷ - ۳۳۸؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۶۴ - ۶۶؛ ابن‌خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۳۶۸-۳۶۹؛ ابن‌الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۱۳۱۹-۱۳۲۳) به گفته ابوعبید قاسم بن سلام، قرائت نافع در قرن سوم، قرائت اهل مدینه است. ابن‌مجاهد نیز در قرن چهارم چنین گزارشی را ارائه نموده است. (ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۶۵)

### ۸. کسائی کوفی

ابوالحسن علی بن حمزه کسائی (۱۲۰ - ۱۸۷ یا ۱۸۹ ق) جزء قاریان سبعة و از طبقه چهارم قراء محسوب می‌شود.

اصلش از سرزمین فارس بود. کسائی زمان زیادی را در بغداد سپری کرد و پیشوای قرائت و ادبیات عرب گردید و از چنان جایگاهی در زمان خود برخوردار شد که محمد بن ادريس شافعی گوید: «هر که بخواهد در نحو تبحر یابد، باید عیال کسائی شود!» (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۹، ص ۱۳۲-۱۳۴؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۷۴-۷۷؛ ابن خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ ابن الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۷۸۴-۷۸۹) راویان کسائی، ابوالحارث بغدادی و حفص الدوری هستند. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۹، ص ۱۳۲-۱۳۴؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۷۴-۷۷؛ ابن خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ ابن الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۷۸۵-۷۸۹).

#### ۹. یعقوب حضرمی

ابومحمد یعقوب بن اسحاق الحضرمی (بعد از ۱۳۰ - ۲۰۵ ق) از قراء عشره است و در طبقه پنجم قاریان جای دارد. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۱۶۹؛ ابن خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۶، ص ۳۹۰) راویان یعقوب، روح بن عبدالمؤمن و محمد بن متوکل رويس بصری هستند. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۴؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۹۵؛ ابن خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۶، ص ۳۹۱-۳۹۲؛ ابن الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۱۳۹۳-۱۳۹۴).

#### ۱۰. خلف العاشر کوفی

خلف بن هشام البزار بغدادی (۱۵۰ - ۲۲۹ ق) دهمین قاری از قراء عشره و از طبقه پنجم محسوب می‌شود. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۵۷۷؛ ابن الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۴۱۲) خلف هر چند قرائت حمزه را روایت می‌کند ولی خود نیز اختیاری دارد که در ۱۲۰ موضع با حمزه اختلاف دارد و همین اختیار به خلف منسوب است. (ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۵۸۰؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۲۳-۱۲۴) راویان معروفش عبارت‌اند از: ادريس بن عبدالکریم الحداد و اسحاق بن ابراهیم المروزی معروف به وراق. (ابن‌الندیم، ۱۴۱۵ ق، ص ۵۴؛ ذهبی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۵۷۸ - ۵۸۰؛ ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۲۳ - ۱۲۴؛ ابن خلکان، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۲۴۱-۲۴۳؛ ابن الجزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۱۳).

#### نتیجه‌گیری

با این که نسخه مورد استفاده به عنوان ترجمه ابوالفتوح رازی، به اذعان گردآورنده دقیقاً آنچه نظر مترجم - مفسر بوده است نمی‌باشد و تعدادی از مواضع مطابق روایت حفص تغییر یافته است، با این حال موارد غیرمطابق با روایت حفص، ۱۳۴ موضع شده است. شمارش قرائات موجود نشان می‌دهد، قرائات ابن‌کثیر و ابوعمرو به ترتیب با ۸۹ (و احتساب یک مورد مربوط به هر یک از راویانش ۹۰) و ۸۸ مورد، در صدر فهرست قرار دارند. تعداد مواضع مطابق با قاریان کوفه در انتهای فهرست فراوانی با ۵۲ مورد، مربوط به قرائت عاصم به روایت شعبه می‌باشد. انفرادات قرائات در این ترجمه مربوط است به: حمزه پنج موضع، ابوجعفر دو موضع، کسائی، نافع، ابن‌عامر و یعقوب هر کدام یک موضع.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. عبداللّه بن عامر بن یزید بن تمیم الیحصبی به حرکات سه‌گانه صاد.
۲. «جزیره» منطقه‌ای بین دجله و فرات، مجاور شام و شامل دیار مُضَر و بکر است. شهرهای بزرگ و مهمی نظیر موصل داشته است. (حموی، ۱۹۹۲ م، ج ۲، ص ۱۳۴).
۳. بررسی نشان می‌دهد اختلافات ابوجعفر و نافع در فرش الحروف، بیش از هفتاد کلمه است.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه‌ی ابوالفتوح رازی (۱۳۸۰)، به کوشش محمد مهیار، چاپ اول، قم: مطبوعات دینی.
۲. ابن الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد (۱۴۲۹ ق/ ۲۰۰۹ م)، *غایة النهایه فی طبقات القراء*، تحقیق: جمال الدین محمد شرف و مجدی فتحی السید، طنطا: دار الصحابه للتراث.
۳. ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر (۱۴۲۰ ق/ ۲۰۰۰ م)، *وفیات الاعیان*، محقق احسان عباس، بیروت: دار صادر.
۴. ابن مجاهد، ابوبکر احمد بن موسی (بی تا)، *السبعه فی القرائات*، محقق شوقی ضیف، چاپ سوم، قاهره: دار المعارف.
۵. ابن الندیم، محمد بن اسحاق (۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۴ م)، *الفهرست*، محقق ابراهیم رمضان، بیروت: دار المعرفه للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ اول.
۶. ایازی، سید محمد علی (۱۳۷۸)، *شناخت نامه تفاسیر*، چاپ اول، رشت: کتاب مبین.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۸. دانی، ابومروعثمان بن سعید (۱۳۶۲)، *التیسیر فی القرائات السبع*، تصحیح: اتوبرتزل، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی جعفری تبریزی.
۹. حموی، شهاب الدین ابوعبداللّه یاقوت بن عبداللّه (۱۹۹۵ م)، *معجم البلدان*، چاپ دوم، بیروت: دار صادر.
۱۰. ذهبی، ابوعبداللّه محمد بن احمد (۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۷ م)، *معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار*، محقق ابوعبداللّه محمد حسن محمد حسن اسماعیل شافعی، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۱. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م)، *سیر اعلام النبلاء*، مشرف بر تحقیق شعیب ارنؤوط، چاپ یازدهم، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۲. رازی ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد (۱۴۰۴ ق)، *روض الجنان و روح الجنان*، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، قم: انتشارات کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی.
۱۳. زمخشری، جار اللّه محمود بن عمر (۱۴۱۵ ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل*، چاپ دوم، قم: نشر البلاغه.
۱۴. شهیدی صالحی، عبدالحسین (۱۳۸۱)، *تفسیر و تفاسیر شیعه*، قزوین: حدیث امروز.
۱۵. عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم (۱۳۸۷)، *طبقات مفسران شیعه*، چاپ چهارم، قم: نشر نوید اسلام.
۱۶. علوی مهر، حسین (۱۳۸۴)، *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*، چاپ اول، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۷. محمودی پور، امین، مقارنه اسباب النزول ده جزء نخست تفسیر ابوالفتوح رازی با طبری، راسخون. [www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net)
۱۸. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۴)، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب*، تنقیح: قاسم نوری، چاپ دوم، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
۱۹. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۶)، *البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران: نشر کعبه.